حقیقت نفس

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### من آثار حضرت بهاءالله - مائده آسمانی، جلد 8 صفحه 189

## مطلب دویست و شانزدهم \_ حقیقت نفس

در لوح دیگر میفرمایند قوله تعالی : " اینکه از حقیقت نفس سئوال نمودید انها آیة الهیه و جوهرة ملکوتیه التی عجز کل ذی علم عن عرفان حقیقتها و کل ذی عرفان عن معرفتها انها اول شئ حکی عن الله موجده و اقبل الیه و تمسک به و سجد له در این صورت بحق منسوب و باو راجع و من غیر آن بهوی منسوب و باو راجع الیوم هر نفسی شبهات خلق او را از حق منع ننمود و ضوضاء علما و سطوت امراء او را محجوب نساخت او از آیات کبری لدی الله مالک الوری محسوب و در کتاب الٓهی از قلم اعلی مسطور طوبی لمن فاز بها و عرف شأنها و مقامها در مراتب نفس از اماره و لوامه و ملهمه و مطمئنه و راضیه و مرضیه و امثال آن از قبل ذکر شده وکتب قوم مشحون است از این اذکار قلم اعلی اقبال بذکر این مراتب نداشته و ندارد نفسی که الیوم لله خاضع است و باو متمسک کل الاسمآء اسمائها و کل المقامات مقاماتهما و در حین نوم تعلق بشیء خارج نداشته و ندارد و در مقام خود ساکن و مستریح و جمیع امور باسباب ظاهر و باهر و باسباب مقامات سیر و ادراک و مشاهده مختلف میشود در بصر ملاحظه نمائید جمیع اشیاء موجوده در ارض و سماء و اشجار و انهار و جبال کل را مشاهده مینماید و بیک سبب جزئی از جمیع محروم تعالی من خلق الاسباب و تعالی من علق الامور بها کلشئ من الاشیاء باب لمعرفته و آیة لسلطانه و ظهور من اسمآء و دلیل لعظمة و اقتداره و سبیل الی صراطه المستقیم ... ان النفس علی ما هی علیه ایة من ایات الله و سر من اسرار الله اوست ایت کبری و مخبریکه خبر میدهد از عوالم الهی در او مستور است آنچه که عالم حال استعداد ذکر آن را نداشته و ندارد ان انظر الی نفس الله القائمة علی السنن و النفس الامارة التی قامت علی الاعراض و تنهی الناس عن مالک الاسماء و تأمرهم بالبغی و الفحشاء الا انها فی خسران مبین .. الی قوله تعالی و اینکه از افلاک سئوال نمودید اولا باید معلوم شود که مقصود از ذکر افلاک و سماء که در کتب قبل و بعد مذکور چیست و همچنین ربط و اثر آن بعالم ظاهر بچه نحو جمیع عقول و افئده در این مقام متحیر و مبهوت ما اطلع بها الا الله وحده حکماء که عمر دنیا را بچندین هزار سال تعبیر نموده‌اند در این مدت سیارات را احصاء ننموده‌اند چه مقدار اختلاف در اقوال قبل و بعد ظاهر و مشهود و لکل ثوابت سیارات و لکل سیارة خلق عجز عن احصائه المحصون ... " انتهی